



چیرانیہ  
chamraniha.com



کتاب الکترونیکی

بسم الله الرحمن الرحيم



بازی و فعالیت، لازمه ی زندگی کودکان است. چقدر خوب می شود که این ضرورت و لازمه زندگی کودکان، با هم بازی شدن ما بزرگ تر ها با کودکانمان شیرین تر شود.

در این کتاب سعی شده است که فعالیت ها ساده و جذاب و همچنین با چاشنی خیال همراه شود تا کودک با شما همکاری کند . فعالیت ها به دو دسته آشپزی و خیاطی تقسیم بندی شده اند. سعی شده که از ابزارهای ساده و در دسترس استفاده شود و پیشنهاد می شود. اگر ابزاری را در منزل ندارید از قبل به صورت قصه ای کوتاه، روند بازی را برای کودکان تعریف کنید و بعد در کنار تعریف داستان، برنامه خرید و تهیه ابزار ها را همراه کودک خود بچینید.

بهتر است ابزار فعالیت ها از قبل آماده شود و چه خوب است که در زمان و مکان مناسب از جانب شما به کودک پیشنهاد شود.

سعی کنید خودتان هم همراه کودک شوید و با بال و پر دادن به خیال هایتان، در پیشبرد فعالیت ها کمک کنید . در انتها خواهیم دید که روند فعالیت برایتان مهم باشد، نه صرفا نتیجه کار و فعالیت ها .



# خیاطی و دوخت و دوز



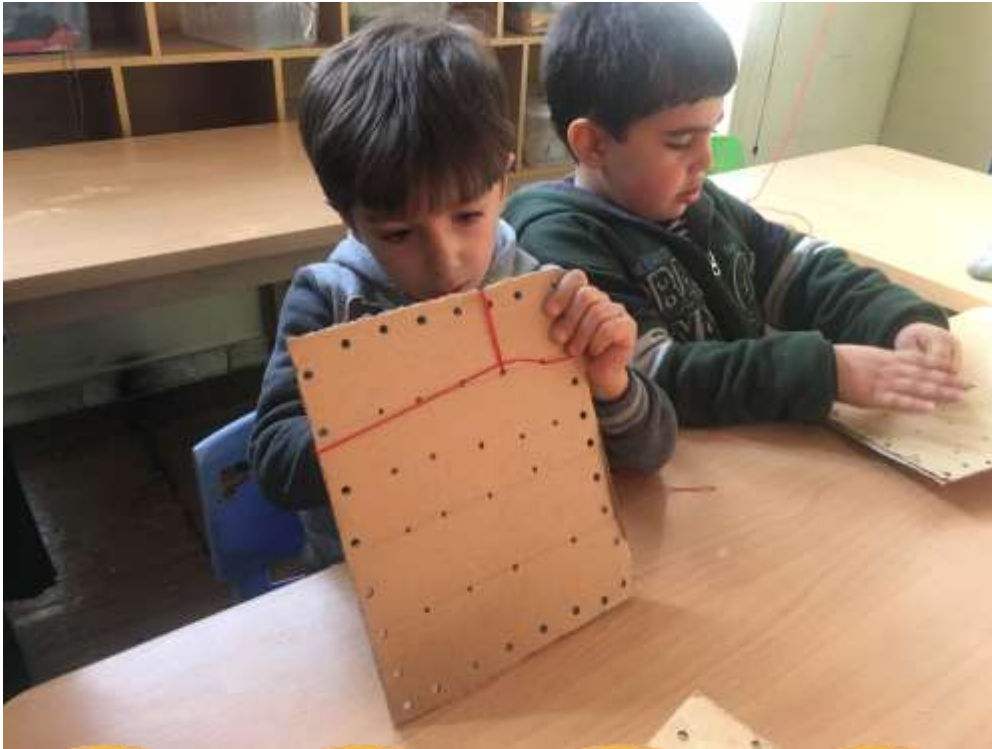
# ۱. چپ چپ چپ، راست راست راست

ابزار:

مقوای سوراخ شده

کاموا

سوزن



وقتی می خواستیم پیاده به خانه ی جدید خاله برویم، من یکم جلوتر از مامان حرکت می کردم. به یک دوراهی رسیدیم. از مامان پرسیدم: کدام طرف باید برویم؟ مامان گفت: چپ. راستش من جهت ها را بلد نبودم و داشتم مسیر را اشتباه می رفتم. شب که به خانه رفتیم، با مامان و بابا یک بازی با جهت های مختلف انجام دادیم. بازی مان اینطوری بود که هر کدام مان یک مقوا که پر از سوراخ بود را به همراه یک سوزن و یک کاموا برداشتیم. نوبتی، من به بابا، بابا به مامان و مامان به من جهات مختلف مثل چپ، راست، بالا و پایین را می گفتیم و هر کدام از ما باید از یک نقطه، با نخ و سوزن به آن جهت حرکت می کردیم. برای جالب تر شدن بازی، بابا پیشنهاد داد جهات را می شود با تعداد خانه ها همراه کرد: مثلا دوتا خونه به راست.



## ۲. پرده‌ی دست دوز من

ابزار:

پارچه

نمد

قیچی

سوزن

نخ



یک روز گرم تابستانی که در اتاق، خواب بودم، یکدفعه با نور شدید خورشید که در  
چشمانم افتاده بود، بیدار شدم. نگاه کردم دیدم پرده اتاق خیلی نازک است. از مامان  
راهنمایی خواستم و با هم به این نتیجه رسیدیم که یک پرده ضخیم تر برای پنجره  
کوچک اتاق بدوزیم.

انتخاب و خرید یک پارچه، برای پرده اتاق را در برنامه آخر هفته گذاشتیم.

وقتی دیدم می توانم نیاز های خانه را برطرف کنم و به من هم یک مسئولیتی داده  
شده، خیلی خوشحال شدم.

بعد از خرید، تقسیم کار کردیم. بابا اندازه های پنجره را گرفت. مامان هم پارچه را  
برید. من هم پرده رو با بریدن اشکال مختلف روی نمود و دوختن آن روی پرده تزئین  
کردم.





# آشپزی و پخت و پز



# ۱۱. مسافرت با مبل

ابزار:

مقوا

کاموا

نمک

آب

ظرف



من و مامان و بابا خیلی دل مان می خواست مسافرت برویم اما بابا در اداره خیلی کار دارد. بنابراین تصمیم گرفتیم با بابا و مامان، سوار قایق خیالی مان بشویم و با کمک وسیله هایی که در کوله مان گذاشته بودیم، شام را در قایق مبلی مان بخوریم.

به جای سبزی، یکم مقوای سبز خرد می کنیم، یکم آب دریا از پارچ می ریزیم. یکم کاموا به جای رشته ها، یکم نمک، خب آش مان آماده است؛ بفرمائید شام دریایی .

وای ببینید ماهی ها هم امشب آمدند تا با ما شام بخورند.

به مامان می گویم: مامان عیب نداره یکم مبل خیس شد، الان میرم دستمال می یارم قایق رو خشک می کنم.



## ۱۲. آشپزی برای عروسک ها

ابزار:

ماکارونی

ظروف خاله بازی



مرکز ملی  
توسعه کودک  
of iran

مامان می خواست برای ناهار، ماکارونی درست کند. من هم از او خواهش کردم که یکم ماکارونی برای من کنار بگذارد .

وقتی که ماکارونی ها نرم شد، سهم خودم را برداشتم. ظروف خاله بازی را آوردم و برای عروسک هام یک غذای خوشمزه درست کردم.

بابا و مامان هم وقتی که دیدند من حسابی مشغول بازی هستم، قابلمه غذا و سفره را به اتاق من آوردند و باهم همسایه شدیم.

آنها از غذای من چشیدند و من هم از غذای آنها خوردم.

